فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۲۳-۹۷ Vol 2. No 23. 2018, p 97-123
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

صلاحیت و نحوه تعقیب محاکم کیفری در خصوص جرائم مقامات دولتی

ایران سلیمانی ملایوسف[۱]. پیمان حاتمی[۲]. ناصر حمیدی[۳]
۱. استادیار گروه الهیات (فقه وحقوق) واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد اردبیل، ایران. مدرس مرکزعلمی کاربردی پارس آباد
۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی گروه حقوق، واحد اردبیل
دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران

چکیده
تعقیب و نحوه محاکمه بعضی از مقامات بلند پایه کشوری به دلیل حساسیت و ظرافتهای خاص، در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی ازکشورها بعضی از مقامات بلند پایه دولتی مصونیت از تعقیب دارند. از جمله نمایندگان و رییس جمهور و نخست وزیر و در برخی کشورها مصونیت مطلق ندارند ولی این امر بطور نسبی وجود دارد و تحت شرایط خاصی و بعد از طی مراحلی صورت می‌گیرد، همه این طرح‌ها و برنامه های خاص برای تعقیب با شرایط خاص یا عدم تعقیب این مقامات به خاطر حفظ مصالح این کشورها می باشد، دیدگاههای مذهبی یا غیر مذهبی، نوع حکومت‌ها، نگرش مردم نسبت به حکومت و دولتمردان آنها در نوع نظام تعقیب آنها در خصوص دولتمردان تأثیر به سزایی دارد. در کشورهایی که نظام مردم سالاری ندارند و دیکتاتوری مطلق حاکم است اصولاً نظام قضایی این کشورها نیز وابسته به شخص شاه یا حاکم آن کشور است و در این کشور ها از نظام خاصی پیروی نمی‌شود مثل اکثر کشورهای عربی خاورمیانه، در این کشورها غیرمردم سالار در صورت صلاحدید حاکم هر مقامی را می شود، تعقیب و مجازات نمود و در صورتی که وی تمایل نداشته باشد. حتی دون پایه‌ترین مقام دولتی را مقام تعقیب نمی‌تواند تحت پیگرد قرار دهد. در کشورهایی که مردم سالاری در آنها حاکم است اصولاً حکام از طرف مردم انتخاب شده و نماینده آنها در اداره کشورند، در این کشورها استقلال بین قوا وجود دارد و نهاد تعقیب فقط با توجه به قوانین جاری آن کشورها به تعقیب مجرمین می‌پردازد در کشور مانیز در طول تاریخ برای تعقیب مقامات بلند پایه نظامهای مختلفی تجربه شده که به‌نحوه تعقیب نمایندگان مجلس و رییس جمهوری که از موارد بحث برانگیز است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: صلاحیت، محاکم کیفری، جرایم، رییس جمهور، نماینده مجلس

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

یکی ازمهمترین دغدغه‌های دولتها در تمام دنیا، سالم سازی محیط کسب و کار و ارتقای سلامت اداری می‌باشد. بسیاری ازامور اقتصادی و غیر اقتصادی مردم رابطه تنگاتنگی با دولتها دارند و سرمایه گذاران نیز در انتخاب محل سرمایه گذاری شاید به اولین موردی که توجه کنند، امنیت اقتصادی و سالم بودن محیط کسب و کار و سلامت اداری می باشد. بنظر بنده سرمایه به کبوتری شبیه است که چنانچه محیطی را برای خود امن و آرام نبیند از آنجا مهاجرت می کند. در کشورهایی که فساد اداری در آنها کمتر است، مثل کشور سوئیس و سنگاپور یا ژاپن، سرمایه گذاران بیشتر سرمایه های خود را به آنجا سوق می‌دهند و هرچند بالا بودن سلامت اداری تنها دلیل افزایش سرمایه گذاری در این کشورها نیست ولی از مهمترین دلایل می باشد. وقتی اعمال حاکمیت و اراده دولتها و ریل گذاری مسیر حرکت اقتصادی کشورها، از طریق نمایندگان (قانونگذاری) هیأت دولت وقوه قضاییه و سایر نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر صورت می‌گیرد، کمترین اختلال، فساد، یا سوءِ مدیریت در رده های بالا موجب انحراف از مسیر حرکت صحیح یا بعضا، خروج از ریل اصلی شده و کشور را به بی راهه خواهد برد، به همین دلیل یکی از اصلی ترین دغدغه های مردم و احزاب و اندیشمندان در سراسر دنیا حصول اطمینان از حرکت صحیح قطار مدیریتی کشورها و نحوه جلوگیری از انحراف آن است. هرچند که در انتخاب مقامات ارشد کشوری در اکثر دولتها قوانین سخت گیرانه و کنترل های شدیدی صورت می‌گیرد لکن با وجود همه دقتها افرا دی ضعیف وارد مدیریت کلان کشورها می شوند، که این امری غیر قابل اجتناب است، و چه بسا افرادی پس از ورود به ارکان مدیریتی نظامها، از طریق تطمیع، ارعاب، یا دسیسه چینی و یا دنیاپرستی، تغییر مسیر می دهند که هنر سیستم های نظارتی باید کشف و طرد این عناصر و سالم سازی مدیریت کلان از مدیران و کارگزاران فاسد باشد، که قانون ارتقای سلامتی اداری مصوب ۱۳۹۰ هر چند گامی مهم ورو به جلو است ؛ ولی دارای ایرادات اساسی در نبود مدیریتی ثابت و مشخص برای این نهاد، عدم چابک و مستقل بودن نهاد، عدم شفافیت مرجع کشف، تعقیب، و محاکمه و خلاصه با وجود تصویب قانون در ماهیت، آیین دادرسی کامل و شفاف ومستقل در کنار قانون ماهوی برای این امر مورد نیاز است. که از این امر غفلت شده است. برای مبارزه با مفاسد علاوه بر عزم جدی، نهادی فرا قوه ای چابک، با اختیارات کامل و شفاف مورد نیاز است و در کنار آن نهادهای غیر دولتی و مردم نهاد جهت ارزیابی عملکرد نهادها و مقامامات و کارکنان دولتی مورد نیاز است و مشارکت حداکثری مردم در نظارت عملکرد و تخلفات مقامات و گزارش آن به مراجع قانونی و به دنبال آن تعقیب و مجازات بزهکارن بدون در نظر گرفتن موقعیت افراد است، مجازات افراد صاحب منصبی که مرتکب تخلفی شده باشند، اعتماد عمومی به حاکمیت را که بزرگترین سرمایه دولتها و میزان قدرت و اقتدار آنها در جوامع بین المللی است افزایش می‌دهد. به همین خاطر رسیدگی به اتهامات ارشد در تمامی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است، و اندیشمندان و علمای حقوق روش‌های

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مختلفی برای محاکمه مقامات ارشد پیشنهاد داده اند، و بعضا مصونیت های هر چند موقتی برای بعضی از مقامات قائل شده اند.

ب: سوالات تحقیق

۱- مهمترین چالش‌ها و مشکلات راجع به رسیدگی محاکم کیفری در رسیدگی به جرائم مقامات ارشد دولتی چیست؟

۲- مراجع صالح برای رسیدگی به اتهامات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس، کدام است؟

کلیات

- مفاهیم و تعاریف صلاحیت

۱-صلاحیت:

صلاحیت در لغت به معنای لیاقت، اهلیت، و شایستگی است.

صلاحیت در مفهوم عام: یعنی داشتن شرایط و لوازم کافی، برای انجام کاری است. وقتی گفته می شود، قاضی یا شاهد و. . . باید.

صلاحیت داشته باشند یعنی هر یک باید شرایط لازم و کافی مقرر در قانون، برای اموری که باید انجام دهند را داشته باشند.

صلاحیت (**Competnce**): کلمه صلاحیت از نظر حقوق عبارت است از: اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره ای امور، مثال صلاحیت دادگاهها در رسیدگی به تظلمات و ترافعات یا صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی. (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی)

ماهیت صلاحیت: برخی در تعریف صلاحیت گفته اند: (اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره‌ای امور را صلاحیت می نامند.)

مرحوم دکتر احمد متین دفتری نیز چنین نوشته: «صلاحیت عبارت است از اختیاری که به دادگاه داده شده تا به دعوا رسیدگی کرده حکم آن را صادر نماید، این اختیار را قانون به موجب حکم خاص (در مورد دادگاههای اختصاصی) و یا به موجب حکم عام (در مورد دادگاههای عمومی) می‌دهد.»

با بررسی عبارات مذکور به کلمه‌ای به نام اختیار برخورد می‌کنیم. اختیار متضاد کلمه جبر است و این به ذهن متبادر می‌شود که آیا منظور از دادن چنین اختیاری ایجاد حق برای این اشخاص است و این اشخاص می توانند از انجام آن امور محوله خودداری نمایند؟

مثلاً آیا قاضی می‌تواند از رسیدگی به شکایات مردم خود داری کرده یا از صدور رای در پرونده ای امتناع نماید، یا ضابط قضایی از اجرای دستورات قضایی مقام صالح امتناع کند؟

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

واضح و روشن است که تعریف این چنینی از صلاحیت امری غیر مفید بلکه مشکل آفرین خواهد بود و مسلماً منظور قانونگذار نیز در اعطای صلاحیت به مأمورین و کارکنان دولت دادن اختیار به معنا و مفهوم فوق نبوده است، چرا که در غیر آن برای عدم اجرای چنین حقی مجازاتی برای آنها معین نمی‌نمود و ضمانت اجرا تعین نمی‌کرد.

ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی در امور کیفری که برای عدم اجرای تکلیف قانونی قضات و ضابطین می‌باشد مؤید این مطلب است.

پس‌صلاحیت اعطایی از طرف قانوگذار به مأمورین هم حق است و هم تکلیف، و در صورت تعریف صلاحیت با این مفهوم می‌توان ضمانت اجرایی برای مستنکفین از اجرای امر قانونی توسط مأمورین صلاحیت دار قائل شد، در غیر این صورت نمی توان برای شخصی که از اجرای حق قانونی خود استنکاف می‌کند، مجازاتی تعین کرد یا حتی وی را مذمت کرد و مستحق مجازات دانست.

۱. انواع صلاحیت:

۱- صلاحیت تقنینی ۲- صلاحیت قضایی ۳- صلاحیت اجرایی

صلاحیت تقنینی: صلاحیت تقنینی که همان صلاحیت قانونگذاری می باشد که به مرجع یا مراجع صالح قانونگذاری در کشورها این اختیار داده می شود. این مراجع طبق قانون اساسی کشورها، متفاوت و مختلف است که این امر درحقوق اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کشور ما نیز مراجع صلاحیتدار قانونگذاری، نحوه و مراحل آن، اختیارات قوه مقننه در قانونگذاری و بسیاری از موارد دیگر در قانون اساسی آمده و مشروحاً به آن پرداخته شده است به عنوان مثال، در اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند وضع قانون کند»، پس مطابق این اصل و اصول و قواعد پذیرفته شده دیگر و با توجه به اصل تفکیک قوا، مراجع دیگر حق قانون‌گذاری ندارند و قوه قضاییه و مجریه حتی نمی‌توانند آیین نامه و بخشنامه‌هایی صادر کنند که خلاف قانون اساسی یا قوانین عادی کشور باشد و در امور قضایی نیز قانونگذار اجازه داده قضات از اجرای آیین نامه یا بخشنامه های خلاف قوانین عادی و قانون اساسی استنکاف نموده و ابطال آنها را از دیوان عدالت اداری درخواست نمایند، که این امر موجب حفاظت از خدشه دار شدن عدالت مخصوصاً جلوگیری از سوءاستفاده افراد ذی سمت و ذی نفوذ و حفظ حقوق عامه می‌شود. در عرصه بین‌المللی نیز استقلال سیاسی کشورها با تصویب و اجرای قوانین آن کشورها توسط حاکمیت دولتها بروز می‌کند و چنانچه این صلاحیت قانوگذاری بطور کلی یا جزئی توسط سایر کشورها یا سازمان های قدرتمند بین المللی یا منطقه ای سلب شود استقلال سیاسی آن کشورها خدشه دار می‌شود و به همین جهت است که پذیرش دادگاه ها و قوانین بین المللی برای بسیاری از دولت ها مخصوصاً برای قدرتهای بزرگ به کندی و سختی صورت می‌گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲- صلاحیت اجرایی:

منظور از صلاحیت اجرائی دولت، (منظور حاکمیت)یعنی دولت شرایط لازم و کافی قانونی برای اعمال قدرت در تعقیب افراد، توقیف اموال و افراد و مجازات افراد را دارد. البته در بعضی موارد به دلیل شورشها و نا آرامی های داخلی در بعضی از کشورها، دولتها شرایط لازم و کافی قانونی برای اجرای قوانین دارند، ولی قدرت و توانایی اعمال آن را ندارند، مثلاً متهمی در منطقه تحت کنترل شورشیان قرار می گیرد، که امکان دستگیری وی وجود ندارد.

صلاحیت قضایی:

صلاحیت قضایی در مفهوم کلی عبارت از داشتن شرایط لازم و کافی برای تحقییق، تعقیب، محاکمه، صدور رای، اجرای احکام صادره از مراجع قضایی می باشد.

صلاحیت قضایی با اجتماع شرایطی و وجود ارکانی تحقق می یابد که در صورت فقدان شرایط مقرر و یا ارکان مقوم آن صلاحیت نیز از بین می رود.

ارکان و مقومات صلاحیت قضایی، عبارتند از:

۱- قانون صالح ۲- مقام قضائی صالح ۳- مرجع قضائی صالح.

قانون صالح و شرایط آن:

به دلیل جلوگیری از اطاله کلام در این مبحث از بیان مشروح اینکه۱- قانون چیست؟ ۲- مرجع قانونگذاری چه نهادی می‌باشد و نحوه قانون‌گذاری و مراحل آن چگونه می‌باشد؟ صرفنظر نموده و تنها به تعریف و ذکر موارد ضروری و به اختصار می پردازیم.

قانون: «مجموعه مقرراتی که از طرف مراجع ذی صلاح وضع و مراحل تقنینی خود را سپری و قابلیت اجرا پیدا کرده باشد، قانون محسوب می‌شود.»

قانون صالح: قانون صالح یعنی قانونی که استناد آن از طرف مقام قضائی در زمان تحقیق، تعقیب، محاکمه، صدور رای، اجرای حکم صحیح باشد، این امر زمانی محقق می شود که قانون، شرایط لازم را برای استناد داشته باشد. برای اینکه قانون شرایط استناد داشته باشد، بایستی قانون دارای حکومت زمانی و مکانی باشد، در غیر این صورت و فقدان یکی از موارد مذکور قانون مورد نظر غیر قابل استناد می گردد. از اتمام آن دیگر اعتبار خود را از دست خواهد داد. این امر در اصل ۱۶۹ ق. اساسی چنین بیان شده «هیچ فعل یا ترک فعلی باستناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود.

۳- مقام قضایی صالح:

در جمهوری اسلامی ایران شرایط تصدی عمومی و اختصاصی قضا توسط قوه قضاییه بررسی و احراز می‌شود و در صورت احراز و پس از طی مراحل قانونی ابلاغ قضایی از طرف ریاست محترم قوه قضاییه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

صادر می شود و قاضی مطابق ابلاغ قضایی در حوزه مأموریت خود و در حدود ابلاغ قضایی صلاحیت خواهد داشت، هرچند که در احراز صلاحیت باید، قوانین و شرایط دیگر نیز مدنظر قرار گیرد.

محاکم:

محاکم، جمع محکمه بوده‌که، معادل فارسی دادگاه یا انگلیسی کلمه (**court**) می باشد.

محکمه اسم مکان است وآن جایی است که در آن احکام توسط قضات صادر می شود. در لغت نامه دهخدا و سایر لغت نامه ها به این مضمونها اشاره شده است.

۵- جرم

جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است (سیاح، . . ۱۳) و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیّت بدست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیدهٔ جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید (شامبیاتی، ۱۳۸۴)

تعریف علمای حقوق از جرم:

علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایشهای نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است. برای نمونه، مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیانگذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارتست از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی "جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود"(اردبیلی، ۱۳۸۶) جرم در قانون مجازات اسلامی: در قانون مجازات اسلامی از جرم تعریف نشده است، فقط در مادهٔ ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می‌شود».

تقسیمات کلی جرم:

۱- جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرّر توأم باشد، مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادّی جرم کیفری ممکن است مستقل اززیان و خسارتهای مادّی تحقّق یابد (اردبیلی، ۱۳۸۶)

۲- جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حقٍ، زیانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نصّ خاصّی در قانون نداشته باشد مثل مادهٔ ۳۲۸ قانون مدنی: « هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعمّ از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

۳- جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقرّرات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانونهای صنفی وکلا، سردفتران، پزشکان و. . . . مانند جامعه بزرگ متّکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است (اردبیلی، ۱۳۸۶).

انواع صلاحیت مراجع کیفری

صلاحیت مراجع کیفری به دلایلی همچون تسریع در رسیدگی، حفظ نظم و امنیت عمومی، سهولت در جمع آوری ادله، میزان مجازات و. . . به انواع زیر تقسیم بندی می شود:

۱- صلاحیت ذاتی. ۲- صلاحیت محلی. ۳- صلاحیت شخصی. ۴-صلاحیت اضافی.

صلاحیت ذاتی: صلاحیتی که مقنن بر اساس نوع جرم یا اهمیت جرم و یا مجازات جرم برای مرجع قضایی تعیین می‌نماید (جویباری، ۱۳۸۶) صلاحیت ذاتی، بانظم عمومی و مصلحت اجتماع گره‌خورده و قابل جابجایی نیست. تخلف از صلاحیت ذاتی موجب بطلان مطلق عملی است که از آن حاصل می‌شود هرچند که رأی به درستی صادر شده باشد(مدنی، -)۲-صلاحیت شخصی:عبارت است از صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی با توجه به سن، شغل و یا موقعیت اجتماعی متهم است. این نوع صلاحیت، و مشابه آن را در مراجع حقوقی مشاهده نمی کنیم. با توجه به خصوصیات شخص متهم تعیین می‌شود.

۱- به اعتبار سن متهم، دادگاه‌های کیفری ۱و۲ اطفال و نوجوانان . ۲- به اعتبار شغل‌وموقعیت اجتماعی متهم؛ سازمان قضایی نیروهای مسلح ۳- به اعتبار شخصیت دینی متهم: دادگاه های ویژه روحانیت؛ با توجه به نقش و تأثیر روحانیون در عرصه های مختلف، مرجع اختصاصی و مستقلی به نام دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به جرایم این صنف رسیدگی می نماید(نوروزی).

صلاحیت اضافی: در اصطلاح عبارت است از صلاحیتی که مرجع یا مقام قضایی، به موجب قانون، علاوه بر صلاحیت عادی دارد.

مراجع قضایی کیفری اعم از دادسرا و دادگاه، خواه عمومی یا اختصاصی، در پاره‌ای موارد صلاحیت اضافی برای رسیدگی به امر قضایی که خارج از صلاحیت ذاتی یا محلی آنها است پیدا می کنند. جهات صلاحیت اضافی کیفری، متعدد و مبتنی بر نوع سیاست قضایی و جنایی نظام حقوقی است و به طور خاص

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در قانون ذکر گردیده است لذا، محاکم یا اشخاص به ادعای حفظ مصالح و منافع ملی یا به ادعای تسهیل در رسیدگی، اختیار توسیع یا تحدید صلاحیت مزبور را ندارند.

موجبات صلاحیت اضافی در امور کیفری

۱- جرم واحد، توسط افراد متعدد صورت گیرد.

۲- جرایم متعدد، توسط یک نفر واقع شود.

۳- پس از صدورحکم، معلوم گردد محکوم علیه، محکومیتهای دیگری داشته است.

۴ - جرایم با یکدیگر، ارتباط تامی داشته باشند.

۵- جهاتی که موجب احاله امر کیفری می شود.

۶- نیابت قضایی ضرر و زیان مورد مطالبه در دادگاه کیفری، ناشی از جرم باشد (نوروزی، همان)

۷- به موجب قوانین خاص

دادگاه‌های کیفری صالح، برای رسیدگی به اتهامات نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری

رسیدگی‌به اتهامات برخی از افراد به علت خصوصیت ویژه آنها یا به دلیل موقعیت خاص اداری یا دینی یا اجتماعی افراد در دادگاه های عمومی و یا دادگاه محل وقوع جرم به نفع یا مصلحت جامعه نمی باشد. از این رو احتیاج به مراجع قضایی ویژه ای است و با تشریفات خاص یا توسط افراد با اطلاعات و تخصص ویژه ای رسیدگی شوند. این مراجع برحسب مورد به برخی از امور خاص و یا دعاوی مربوط به برخی از اشخاص رسیدگی می نمایند. بنابراین قضات‌آن نیز باید دارای اطلاعات خاص درزمینه مربوطه بوده ویا ازاشخاصی باشند، که به دعاوی مربوط به همین صنف رسیدگی می نمایند.

مراجع عمومی‌صلاحیت عام رسیدگی به دعاوی را دارند، مگر دعاوی خاصی که قانون صراحتاًاین دعاوی را در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار داده است، پس مبنای تمیز وتفکیک دعاوی بین دادگاه‌های عمومی و اختصاصی قانون می باشد.

مراجع اختصاصی با توجه به صلاحیت آنان عبارتند از:

۱-دادگاههای نظامی ۲-دادگاههای انقلاب ۳-دادگاه ویژه روحانیت ۴- دادگاه عالی انتظامی قضات

-دیوان عالی کشور فقط برای رسیدگی به اتهامات رئیس جمهوردرخصوص جرایم تخلفات مربوط به مسئولیت و وظایف وی صلاحیت دارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

الف: دادگاه های نظامی

به علت لزوم اجرای کیفرهای سنگین و نیاز مبرم به تسریع در رسیدگی و دفاع به موقع وموثر از حیات نظامی کشور و حفظ اسرار نظامی، دادگاه های نظامی جهت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی نظامیان ایجاد گردیده اند که این دادگاها در اکثر کشورهای دنیا وجود دارند.

منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، بزه‌هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت های نظامی و انتظامی مرتکب گردیده‌اند.

ب: دادگاه های انقلاب

مطابق ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲اصلاحی ۱۳۹۴ دادگاه انقلاب در مراکز استان‌ها و به تشخیص ریاست محترم قوه قضاییه در شهرستان ها تشکیل می‌شود. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای، (الف)، (ب)، (پ) و (ت) این قانون دارای رییس و دو عضو مستشار است، که با دو عضو نیز رسمیت دارد.

۱-کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه و یا افساد فی الارض۲-تبلیغ بر علیه نظام، تحریک و تشویق نیروهای نظامی در حال جنگ به فرار از جبهه، همکاری با دول متخاصم و. . . ۳- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری ۴-توطئه علیه جمهوری اسلامی یا اقدام مسلحانه و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام ۵-جاسوسی به نفع اجانب ۶-کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر

دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی یعنی رسیدگی به ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها ومعاملات دولتی، فروش زمین های موات ومباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع که پس ازبررسی و ثبوت امر، اموال مذکور اخذ و به صاحب حق رد می‌گردد، در صورت معلوم نبودن صاحب اموال، این اموال به بیت‌المال تعلق می‌گیرد.

ج) دادگاه ویژه روحانیت

این دادگاه براساس دستوررهبرانقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره)تشکیل گردید وتا زمانیکه مقام معظم رهبری ادامه کار آن را مصلحت بداند، به منظور پیشگیری ازنفوذ افراد منحرف وتبهکاردر حوزه‌های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت وبه کیفر رساندن روحانی نما های متخلف وبه طور کلی جهت رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد نمود. (روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت بوده ویا در حوزه مشغول تحصیل باشدویا اگربه کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام رهبری منصوب می گردد وسایر قضات دادگاه نیز، حسب مورد طبق نظر مقام رهبری نصب می گردد. در معیت دادگاه ویژه روحانیت دادسرای ویژه روحانیت ایجاد شده که متشکل از دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و عملیات، مدیر اداری و مالی و به تعداد لازم دادیار و کارمند اداری می باشد. دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب می‌گردد. عزل ونصب دادستان‌ها ودادیاران دادسرای ویژه شهرستان به عهده این دادستان منصوب می‌باشد. دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی است:

۱-کلیه جرائم عمومی روحانیون ۲-کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد. ۳-کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود. در صورتیکه فرد خاطی روحانی، قاضی باشد، دادسرای ویژه روحانیت در بدو امر صلاحیت تعقیب ندارد مگر اینکه دادگاه عالی انتظامی قضات روحانی مورد نظر را که قاضی است معلق نموده باشد رسیدگی به دعاوی‌حقوقی علیه روحانیون مطابق قوانین، در دادگاه های عمومی حقوقی رسیدگی می‌گردد و از صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت خارج می باشد.

دادگاه های کیفری ۱ و۲ تهران و صلاحیتهای اضافی آنها

صلاحیت دادگاههای کیفری تهران و همچنین دادگاه های نظامی و روحانیت ویژه تهران نوعی صلاحیت اضافی نسبت به سایر استانها می‌باشد. براساس تبصره یک ماده ۴ قانون احیاء دادسرا «رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها معاونان و مشاوران روسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران بوده به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است». علاوه از موارد فوق رسیدگی به جرایم مرتبط با شغل (قبلا در دیوان کیفرکارکنان دولت رسیدگی می شد) شهردار و روسای دانشگاههای دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه مرکز استان قرار داده شده بود. منظوراز جمله « به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است شامل: الف) روحانیون است که اگر افراد فو ق الذکر روحانی باشند وفق تبصره ۳ (الحاقی مورخ ۱۳۸۴/۹/۲) ماده ۳ آئین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه مورخ ۱۳۶۹ و اصلاحیه آن مصوب آذرماه ۱۳۸۴، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت صالح به رسیدگی است. طبق رأی وحدت رویه (۶۶۴ – مورخ ۱۰/۳۰/ ۱۳۸۲ در صورتی که یکی از مقامات مذکور در ماده فوق مرتکب جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب شود دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی است نه دادگاههای کیفری استان تهران. که این موضوع نیز در مواد ۳۰۷ الی ۳۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید با کمی تغییرات به تصویب رسیده است، که از مهمترین تغییرات این قانون ماده ۳۰۸ قانون مذکور است، که رسیدگی به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اتهامات بسیاری از مقامات از جمله مدیران کل، فرمانداران غیر مراکز استان و. . . که در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران بود، به دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم محول نموده است، که در جهت تسهیل رسیدگی و اصل صلاحیت محلی می باشد.

تاریخچه نحوه تعقیب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس

با توجه به مفاد تبصره الحاقی (مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۸به ماده ۴)قانون تشکیل دادگاههای عمومی وانقلاب که رسیدگی به اتهامات وزرا و سایر صاحب منصبان مشخص شده بود، ولی اسمی از رؤسای سه قوه به میان نیامده بود، که در مورد رؤسای دو قوه دیگر یعنی مجلس و قوه قضائیه این مسأله حل شده است چون رئیس مجلس اصولا" نماینده مجلس است ورئیس قوه قضائیه نیز با توجه به این که دارای پایه قضائی می‌باشد به اتهام انتسابی آنهادر دادگاه‌های کیفری استان تهران رسیدگی می شد. ولی درخصوص رئیس جمهور مسأله کمی متفاوت است که به تحلیل آن می پردازیم. اصل (۱۴۰) قانون اساسی می‌گوید: «رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی درداگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود نکته مهم در این قضیه این است که اولا"باید قوه قضائیه این مسأله رابه مجلس اطلاع دهد و قانونگذار این مطلب را جهت عدم ایجاد اختلال درکاردولت قرار داده که نمایندگان ملت از این موضوع اطلاع داشته باشند درضمن (ماده ۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ومسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۶۵/۸/۲۲) چنین بیان می‌دارد: رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف واختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوانعالی کشور است ودرجرایم عادی رسیدگی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران وبا اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گردد. (بند ـ ۱۰ اصل ۱۱۰ـ قانون اساسی) درمورد اختیارات رهبر می‌گوید: «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای به عدم کفایت وی براساس اصل (۸۹)ـ بند ۲اصل ۸۹ ـ درصورتی که حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور رادر مقام اجرای مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرای کشور مورد استیضاح قرار دهند، وچنانچه پس از بیانات نمایندگان مخالف وموافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای اصل (۱۱۰)به اطلاع مقام معظم رهبری می رسد. پس از عزل رئیس جمهور به دو طریق ممکن است ۱ـ با رأی دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی وعزل او به صلاح‌دید رهبر ۲ـ رأی دیوانعالی کشور و عزل او به صلاحدید رهبر ـ در ماده ۱۹ ـ قانون تعیین حدود و وظایف اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری آمده: رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات دررابطه با وظایف واختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوانعالی کشور است که ناظر به(بند ـ ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) است در خصوص جرایم عادی در ماده ۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه چنین نظر داده است «مراد از جرایم عادی مذکور در (اصل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱۴۰ـقانون اساسی)جرایم غیر سیاسی وغیر نظامی است وشامل جرایم عادی ارتکابی شده در حین انجام وظیفه و به سبب آن نیز می شود درنتیجه رسیدگی به جرایم عادی وزراء در حین یا به سبب انجام وظیفه باشد یا نباشد با اطلاع مجلس دردادگاه‌های عمومی انجام می شود بحث اینجاست که برای رسیدگی به جرایم عادی رئیس جمهور دادگاه‌های عمومی یا کیفری استان صالح است یا مثل مقامات مذکور در ماده (۴) قانون تشکیل دادگاههای عمومی‌وانقلاب، دادگاه کیفری استان تهران ـ اگر به این عقیده باشیم که دادگاههای عمومی یا دادگاه کیفری استان برای رسیدگی صالح می باشند این مورد به نظر می رسد با ظاهر اصل (۱۴۰) قانون اساسی مطابقت دارد ولی تعارضی که پیش می آید با ماده (۴) قانون اصلاحی است که به جرایم (مهم وغیر مهم)مقامات موضوع ماده (۴) دردادگاههای کیفری تهران رسیدگی می‌شد در صورتیکه برای جرایم غیرمهم رئیس جمهور باید در یک دادگاه عمومی رسیدگی شود که این بااهداف قانونگذاری که برای رسیدگی دقیق وحفظ جایگاه مقامات عالی رتبه می باشد در تعارض آشکار بود، وقتی به تخلفات دررابطه با وظایف واختیارات رئیس جمهوردر دیوانعالی کشور رسیدگی می‌شود، پرواضح است که منظور قانونگذار این نبوده است که برای سایر اتهامات انتسابی به رئیس جمهور دردادگاه‌های عمومی رسیدگی شود. البته لازم به ذکر است که باتوجه به اینکه رئیس جمهور یکی از اعضای تشخیص مصلحت نظام است رسیدگی به اتهامات وی (به جز اتهاماتی که در صلاحیت دیوانعالی کشور است) در صلاحیت دادگاه های کیفری استان تهران بود. البته قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که از مهرماه ۱۳۹۳ طبق قانون قابلیت اجرا پیدا کرده، صراحتاً دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهامات رؤسای سه قوه از جمله رئیس جمهوری را مشخص و طبق ماده ۳۰۷ این قانون دادگاه های کیفری تهران این صلاحیت را پیدا کرده است، البته چنانچه رییس جمهور فردی روحانی از نظر قانون باشد، به اتهامات وی در دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد؛البته چنانچه رییس جمهور؛ فرد روحانی نباشد و اتهامات وی از موضوعات در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد، به اتهامات وی در دادگاه‌های انقلاب تهران رسیدگی خواهد شد در با این اوصاف دیگر با اجرایی شدن قانون آیین دادرسی جدید دیگر ابهامی در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی به اتهامات این مقام باقی نمی ماند.

اصل ۸۶ قانون اساسی و رابطه آن با مصونیت پارلمانی

یکی از موارد بحث بر انگیز دیگر در خصوص تعقیب مقامات دولتی موضوع مصونیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌باشد، با توجه به پایبندی کشورها به بعضی از اصول و نظامهای تعقیب؛ نحوه تعقیب، مصونیت یا عدم مصونیت، مقامات بلند پایه از جمله نمایندگان متفاوت است. در کشور ما نیز در طول تاریخ و با توجه به وجود نظامهای حاکم و وجود دیدگاه های مختلف؛ رویکرد های مختلفی در خصوص مصونیت پارلمانی اتخاذ شده و در بعضی از دوران‌ها با اقتباس از قوانین کشورهای غربی مصونیت را بصورت کامل پذیرفته و در برخی دوران‌ها آن را نپذیرفته است. پیش بینی اصل مصونیت پارلمانی در کنار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سایر اصول قانون اساسی کشورها و اهتمام روز افزون قانونگذاران به این اصل گویای جایگاه ویژه آن در جامعه جهانی است این اصل اساسی که به نحوه شایسته ای از امنیت حرفه ای و سلامت خاطر نمایندگان حمایت می کند از ماهیت حقوقی متمایزی نسبت به سایر تأسیسات حقوقی برخوردار است و بر مبانی نظری استواری تکیه دارد. حقوقدانان به منظور اثبات ضرورت بهره مندی نمایندگان از مصونیت توجیهات و استدلالهای منطقی بسیاری مطرح کرده‌اند که هر یک از آنها به سهم خود در سوق دادن اندیشه قانونگذار هر کشور به اهمیت اصل مذکور تاثیر گذار بوده است. در مقابل این گروه عده‌ای تلاش داشته اند که با توسل به دلایلی همچون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تساوی اشخاص در قبال قانون فلسفه تشریع قوانین جزایی در جهت صیانت از نظام عمومی و حیثیت حقوق خصوصی افراد و فقد صبغه شرعی و مبنای متقن فقهی مصونیت پارلمانی نمایندگان را با اشکال مواجه کنند که این نظرات مختلف ناشی از اعتقادات و جهان بینی آنها می باشد.

به هر حال با وجود مخالفت های پراکنده گرایش غالب در اکثر کشورها در مسیر تایید و اثبات بیش از پیش مصونیت اعضای مجالس پارلمانی جهت گیری نموده است به گونه ای که حتی کشورهایی که پیشتر به شکل محدود از نمایندگان حمایت می کرده اند در دهه‌های اخیر بر گسترش دامنه اصل مصونیت نظر داشته و رویکردی جامع گرایانه مبنی بر پذیرش هر دو صورت مصونیت (عدم مسئولیت و عدم تعرض) اتخاذ نمود ه اند بررسی روند رویکرد قانونی نظامهای پارلمانی در ادوار اخیر صحت این موضوع را به تایید می رساند.

مصونیت، مصدرجعلی در زبان فارسی و در لغت به معنای محفوظ بودن، حفظ شدن و مامور بودن است واژه مصون، اسم مفعول از ریشه ثلاثی مجرد صون و به معنای محفوظ نگاهداشتن و دوراز تعرض آمده است.

در اصطلاح حقوقی، مصونیت عبارت است از معاف بودن از برخی التزامات قانونی و برخورداری از حمایتهای حقوقی در برابر برخی قوانین را با محدودیتهای ویژه‌ای روبه‌رو می‌سازد. طبق یک نظر«مصونیت» عاملی است که زوال مسئولیت کیفری را موجب می‌شود و غالباً از وجود کیفیت و یا حالتی در شخص مرتکب نشات گرفته یا در بعضی موارد به صورت استثنائی از اوضاع و احوال و شرایطی که موجب تحقق جرم شده است ناشی می‌شود. . . این مصونیت ممکن است تمام جرائم را در بربگیرد یا اینکه مصادیق خاصی از جرائم را شامل شود.

امروزه در قوانین و مقررات داخلی حاکم بر نظام حقوقی کشورها، مقررات فراملی و نیز آموزه‌های حقوقی، گونه‌های متعددی از مصونیت همچون مصونیت قضائی، مصونیت دیپلماتیک مصونیت دفاع طرفین دعوا و به ویژه مصونیت پارلمانی مطرح می‌شود. مصونیت اخیر در قوانین اساسی و عادی اغلب کشورها در قالب یک امتیاز قانونی برای نمایندگان منتخب پذیرفته شده است و اصطلاح (امتیازهای پارلمانی) موید این امر است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اگر چه تعاریف بسیاری از سوی حقوقدانان در تعیین اصطلاح مصونیت پارلمانی گردیده است، امکان ارائه تعریف جامع و مانعی از مصونیت پارلمانی فراهم نیست. با وجود این وجه مشترک تمامی تعاریف موید امتیازات و حمایت‌های قانونی است که ازطرف قانونگذاران برای نمایندگان و در اجرای وظایف نمایندگی لحاظ شده است. در فرهنگ فرانسوی روبرت آمده است (مصونیت پارلمانی عبارت است از امتیازات اعطایی به نمایندگان مجلس به منظور حراست از وظایف نمایندگی و استقلال نماینده در برابر هرگونه تعرض به او) در فرهنگ اصطلاحات حقوقی دالوز مصونیت پارلمانی اینگونه تعریف شده است: (امتیازی است که نمایندگان مجلس را در برابر هر گونه تعقیب مورد حمایت قرار میدهد به نحوی که بتوانند آزادانه به اعمال وظایف نمایندگی خود بپردازند).

جایگاه و ماهیت حقوقی مصونیت پارلمانی

از آنجا که اصولا منشا مصونیت پارلمانی، قانون اساسی کشورها است و این موضوع با پارلمان به عنوان نهاد قانونگذاری مستقیما پیوند خورده است، بیشتر در ضمن مباحث حقوق اساسی مطرح می‌شود و از مسائل اصلی قابل طرح در این حوزه به شمار می‌آید. با وجود این واقعیت، مصونیت پارلمانی در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و یا شکلی هم دارای جایگاه ویژه ای است و از جهات مختلف، مورد توجه واقع می‌شود. اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری از اصول حاکم بر اجرای قوانین جزایی در مکان است. طبق این اصل، قوانین جزایی نسبت به کلیه جرائمی که در داخل کشور ارتکاب می‌یابند اعم از اینکه مجرم از اتباع کشور باشد یا اتباع خارجه، لازم الاجرا است. با وجود این استثنائاتی بر این اصل وارد است که از جمله آنها مصونیت پارلمانی نمایندگان است. نویسندگان حقوقی در بحث اسباب معافیت از کیفر، مصونیت پارلمانی را در شمار سبب‌هایی می دانند که تحت شرایطی، باعث معاف بودن نماینده از مجازات، به فرض تقصیر می‌شود. همچنین برخی در مقام اثبات مصونیت قانونی و نفی مسئولیت جزائی نماینده، بر فقد قصد مجرمانه تاکید می ورزند و از این منظر به « اصل عدم» تمسک می‌جویند. (بدیهی است تحلیل رکن روانی، تشریح اجزا و عناصر آن وارد در حوزه حقوق کیفر عمومی است. به این ترتیب مصونیت پارلمانی از جهت متعددی در حقوق کیفری عمومی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و در مجموع، به شکل مستقیم با این شاخه حقوقی ارتباط یافته است. قطع نظر از مباحثات و اختلافات نظری موجود در خصوص امکان فرض تحقق جرم از سوی نماینده یا عدم آن، چنانچه نماینده، متهم به ارتکاب جرائمی از قبیل توهین به افراد، مقامات و یا به مقدسات افترا، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و سایر جرایم گردد، در این صورت ماهیت جرم ارتکابی، ارکان و ویژگیهای متمایز آن و تشریح شرایط کیفر بر اساس مباحثات حقوق کیفری اختصاصی، مشخص خواهد شد.

مصونیت پارلمانی نمایندگان از جنبه های متعددی در آیین دادرسی کیفری مسائل بحث و بررسی می‌شود. تشریفات تعقیب و سلب مصونیت پارلمانی از مسائل مهمی است که در قلمرو آیین دادرسی کیفری است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قواعد شکلی لازم الاجرا معمولاً در قالب قوانینی در زمینه آئین دادرسی تنظیم تنسیق می گردد. برای نمونه، قوانین و مقررات بوندستاگ (مجلس فدرال آلمان) در این خصوص، بسیار مشروع و مفصل است و حتی متضمن قواعد و اصولی راهبردی در مجلس شورای ملی فرانسه و مجالس ایتالیا و اسپانیا و لوگزامبورگ نیز به همین شکل جامع و مبسوط است. برعکس، نصوص قواعد و قوانین آئین دادرسی در بلژیک و دانمارک بسیار موجز کوتاه و قدیمی است. در برخی کشورها نیز همچون ایرلند، انگلستان و هلند، اساسا آیین دادرسی ویژه ای در این زمینه موجود نیست.

از دیگر مباحث مربوط به مصونیت پارلمانی در آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوای عمومی است که مصونیت مذکور در دعوای عمومی تلقی می شود. زمره موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی تلقی می‌شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان معلق می شود. بر این اساس، صلاحیت رسیدگی به اتهامات نماینده از قلمرو آمره و مربوط به نظم عمومی از دیگر مباحث مربوط به مصونیت پارلمانی در آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوای عمومی است که مصونیت مذکور در زمره موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی تلقی می شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان به شمار می آید زیرا با توجه به لزوم تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان دراین کشورها، در صورت عدم حصول اجازه تعقیب، مرور زمان معلق می شود. بحث صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره ومربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوای عمومی است که مصونیت مذکور در زمره موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی تلقی می شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان به شمار می آید: زیرا با توجه لزوم تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان دراین کشورها، در صورت عدم اجازه تعقیب، مرور زمان معلق می شود. بحث صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت وموقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری است. براین اساس، صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری. بر این اساس، صلاحیت رسیدگی به اتهامات نماینده از قلمرو صلاحیت محلی دادگاه (به اعتبار محل وقوع جرم) خارج شده است. پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی در خصوص پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی دو دیدگاه مطرح است. طبق دیدگاه نخست، مبدأ تاریخی اعطای مصونیت تاریخی به اعضای پارلمانها روشن نیست؛ زیرا این قبیل مصونیت ها به تدریج و در پی توافق های ضمنی بین حکومتها و مجلس ملی آنها حاصل شده است. به همین جهت این توافق ها، داخلی هستند و پذیرش آنها در چهارچوب قانون اساسی جریان می یابد. از آنجا که اقدام برای تدوین قانون اساسی در قرون اخیر شکل گرفته و طبق نظر برخی پژوهشگران تاریخ آن به ثلث اخیر قرن هیجدهم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

میلادی – یعنی زمانی که قانون اساسی فیلادلفیا در سال ۱۷۷۶ م. آماده شد، بر می گردد. بنابراین سند خاصی که متضمن اعتراف به وجود حق مصونیت پارلمانی قبل از این تاریخ باشد وجود ندارد (۸، ص ۱۱۱). طبق دیدگاه دوم، از منظر تاریخی، عملاً ریشه مصونیت پارلمانی را باید به عصر امپراطوری رم باستان و سرشت پارلمانی نظامهای آن دوره مربوط دانست؛ زیرا مدافعان حقوق مردم در مجالس سنا و ملی از حمایتهای ویژه و گسترده‌ای در آن زمان برخوردار بودند که مشابه آن را در عصر حاضر نیز می توان مشاهده کرد (۱۴، ص ۴). اما چنانچه به طور رسمی بررسی شود، مصونیت پارلمانی ریشه در تعارض بین پارلمان، پادشاهان و نظام قضائی انگلیس دارد (۱۵) و به نشست پارلمان انگلستان در سال ۱۳۹۷ م. باز می گردد.

در این زمان مجلس عوام لایحه‌ای را تصویب نمود که رفتار مالی ننگ آور پادشاه انگلستان – ریچارد دوم – را محکوم می ساخت. « توماس هاکسی» عضوی که حامی این مصوبه صریح مجلس عوام، و مخالف پادشاه و دادگاه وی بود، به محاکمه کشیده شد. و به کیفر مرگ محکوم گردید. محکومیت وی تحت عنوان خیانت به کشور مطرح شد؛ لکن متعاقب مخالفتی که در آن دوره توسط نمایندگان مجلس عوام با این حکم ابراز شد این محکومیت به مرحله اجرا در نیامد و « هاکسی» مشمول عفو سلطنتی شناخته شد (۱۴، ص ۱۴). در قضیه « استرود» در سال ۱۵۱۲ م. نیز ابتدا امتیاز ناظر بر معافیت شخص نماینده از اظهارات مطرح شده در پارلمان، انکار شد، اما بعد، از سوی پادشاه مسلم و مقبول فرض گردید. این مصونیت مجدداً در قضیه «سر جان الیوت» در سال ۱۶۲۹ م. با انکار روبرو گردید که به هر شکل از سوی مجلس سنا و مجلس عوام پذیرفته نشد. اعتراض ها و ایراد ها در عدم پذیرش مصونیت نمایندگان از طرف مجالس یاد شده در سالهای ۱۶۴۱ و ۱۶۶۷ م. همچنان تداوم یافت تا اینکه مجلس سنا در سال ۱۶۶۸ م. بر ضرورت مصونیت تاکید نمود و هر گونه تعقیبی را که به سبب سخنان نمایندگان در پارلمان انجام می شد، مردود دانست. این وقایع، مجلس عوام را بر انگیخت تا حق اعضای پارلمان را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهد. در غالب استقلال و آزادی کامل، بدون مداخله مقام سلطنتی متبلور سازد. لذا پیشنهاد آزادی نطق» در ابتدای صده شانزدهم به مجلس عوام ارائه گردید که سرانجام در سال ۱۶۸۹ م. در مصوبه پارلمان انگلیس – که برخی از حقوق افراد و نمایندگان مجلس را تضمی می کند – مورد تصدیق و تایید واقع شد. این مصوبه، «سند حقوق بشر» نام گرفت و به طور صریح در ماده ۹ آن از مباحثات و افعال اعضای پارلمان، بدون هر گونه مداخله یا مخالفت و اعتراضی در خارج از پارلمان، حمایت شد (۱۴ ص ۱۵). در فرانسه نیز بعد از انقلاب ۱۷۸۹ م. این ضرورت مبنی بر مصونیت بخشی به نمایندگان در راستای پاس داشت آنان به سبب عقاید مطرح شده‌در پارلمان و در مقام ایفای تعهدات و وظایف، شکل گرفت. چنین مصونیتی نخستین بار به موجب طرح پیشنهادی «میرابو» سخن ور نامدار انقلاب کبیر فرانسه در جلسه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ م. مورد تقلید واقع که در آن از امتیازی یاد شد که به موجب‌آن امکان صدور کیفرخواست علیه نمایندگان، بدون اجازه پارلمان منتفی بود. (به هر حال در این کشور، مصونیت پارلمانی در امورجزائی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تجویز شد و برخلاف انگلستان، ضرورت مصونیت پارلمانی در امور جزایی بیشتر از امور حقوقی احساس شد. این مصونیت در قوانین اساسی ۱۸۷۵ م. و ۱۸۸۱ م. مجدداً تایید گردید. بعدها نیز اگر چه مستندات و مواد قانونی آن تغییر یافت، لیکن ماهیتاً همان مفاد مورد استناد قرار داده شد. این مصونیت، بدون هیچ استثنائی شامل بحث‌ها و سخنرانی‌های ارائه شده در مجلس ملی یا مجمع مجالس سنا و ملی است؛ خواه در حین سخنرانی باشد، خواه در بحث‌های مطرح شده در کمیسیون های تخصصی. اصل ۲۱ قانون اساسی سابق فرانسه چنین نگارش شده است: «هیچ یک از اعضای پارلمان را نمی توان به علت اظهار عقیده یا آرای صادر شده از سوی وی در چارچوب اجرای وظایف قانونی خویش تحت تعقیب، جست و جو، دستگیری، حبس یا محاکمه قرار داد. این مصونیت هم شامل خسارات وارده به منافع اشخاص می شود و هم جنبه عمومی جرم را شامل می شود». این مصونیت همچنین مستلزم کسب اجازه از پارلمان برای تعقیب نمایندگان در جرائم عمومی ارتکابی توسط آنان است. این اجازه باید از مجلس اخذ شود، اما به اتهامات منتسب در جرائمی با عناوین جنایت و جنحه محدود می شود. بنابراین برای تعقیب کردن اتهامات خلافی نیازی به کسب اجازه نخواهد بود. با صلاحدید پارلمان نیز امکان تقاضای تعلیق تعقیب یا تعلیق حبس اعضای آن در زمان نمایندگی فراهم است و پارلمان می تواند در این زمینه اتخاذ تصمیم نماید.

حوزه نسبتاً وسیع تر امتیازات پارلمانی در فرانسه، قطع نظر از بخشهائی که از الگوی انگلیسی برگرفته شد، به طور نزدیکی با موضع فکری برترحاصل در چهارچوب انقلاب فرانسه ارتباط یافته است به هر شکل از آن زمان به بعد، مصونیت پارلمانی در دیگر کشورهای اروپا در جایی که الگوی فرانسوئی با جنبه های دوگانه خویش (رویکرد ناظر بر آزادی نطق و مصونیت از تعرض) نفوذ غالبی یافته گسترش یافت.

سیر تحول مصونیت پارلمانی در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران نیز از همان ابتدای شکل گیری مجالس پارلمانی (مجلس شورای ملی و مجلس سنا)، لزوم پیش بینی مصونیت برای نمایندگان منتخب مردم احساس گردید. لذا ضرورت مصونیت بخشی به نمایندگان، همگام با سایر نظامهای پارلمانی غرب سبب شد تا اصل مصونیت پارلمانی در قوانین اساسی ادوار مختلف ایران تعیین یابد. در ابتدا به بررسی پیشینه مصونیت پارلمانی در قانون اساسی مشروطه پرداخته، آنگاه به بیان این سابقه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. امتیاز مصونیت پارلمانی که نخستین بار در قانون اساسی مشروطه بیان گردید، از تاسیسات قوانین اساسی کشورهای غربی اقتباس شده است. بنابراین مصونیت اعضای مجلس از کشورهایی که قانون اساسی آنها الگوی تدوین قانون اساسی مشروطه بوده، در گذشته به کشور ما راه یافته است. از نظر نویسندگان حقوقی، نظام مصونیت پارلمانی که ریشه در اصل ۱۲ قانون اساسی، ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۴ ه- ق دارد، متاثر از نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه است. نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه ریشه در مصوبه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ م. مجلس ملی آن کشور

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دارد. این مصوبه مقرر می دارد « شخصیت هر نماینده مصون از تعرض است». این اصل در قانون اساسی کشورهای دیگر ازجمله ایران، مبنای نظام مصونیت پارلمانی گردیده است. اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر می‌داشت: «به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز، کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. احیاناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد. باز باید اجرای سیاست درباره او به استحضار مجلس باشد». البته به طوری که می‌دانیم چون مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ ه ش در ایران تشکیل شد، قانون اساسی گذشته فقط به ذکر مصونیت نمایندگان مجلس شورای ملی پرداخته است: اما ماده ۳۶ قانون اجازه اجرای نظامنامه انتخابات مجلس سنا نیز تسری و تعمیم داده است.

در ماده ۲۳ از فصل اول نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی « بدون اجازه مجلس، احدی از اجزای (اعضای) مجلس را نمی توان به هیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود: مگر مرتکب جنحه یا جنایتی باشد به طور علنی، و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کس حق مزاحمت آنها را ندارد؛ مگر در صورتی که تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد. در این صورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص به محکمه عدلیه جلب خواهند شد».

با کمی تعمق در اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه و مواد یاد شده می توان دریافت که، حمایتهای قانونی راجع به نمایندگان، علی رغم اقتباس از غرب، به شکل جامعی در گذشته پذیرفته شده است که از جهات بسیار چه از جنبه ماهوی و چه از جنبه شکلی در خور توجه می باشد. جزئیات راجع به مصونیت پارلمانی نیز در ادوار مختلف مجلس و ضمن آیین نامه های داخلی صراحتاً تعیین شده است و این امر مبین سابقه درخشانی است که در قانون اساسی تجلی یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در فرمان مورخ ششم ربیع الاول سال ۱۳۹۹ ه ق. نخست وزیر دولت موقت را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مامور تشکیل دولت موقت نمود تا ترتیب اداره امور مملکت و به ویژه انجام شدن رفراندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس موسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی جدید و انتخاب نمایندگان ملت را بدهد. براین اساس، با صدور فرمان همه پرسی از سوی امام (ره) در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ و برگزاری انتخابات، با اکثریت مطلق ۹۸/۰۲ از کل اخذه شده، به نظام جمهوری اسلامی رای مثبت داده شد. آنگاه به منظور تدوین قانون اساسی در مرحله نخست، پیش نویس قانون اساسی به عنوان طرح پیشنهادی به افکار عمومی عرضه شد. سپس در مرحله دوم برای انتخاب

خبرگان جهت تدوین قانون اساسی، در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات عمومی در سراسر کشور انجام گرفت که سرانجام مجلس موسسان خبر یا خبرگان، تحت عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با عضویت ۷۲ نماینده افتتاح گردید. بنابراین در میان طرق مختلفی که برای تدوین و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تصویب قانون اساسی در جهان متداول است، جمهوری اسلامی ایران با ویژگی‌هایی که از نظر اتکا به مکتب و پشتیبانی قاطع مردم داشت، کاملترین و جالبترین راه را برگزید و در حقیقت به جای استفاده از یکی از دو راه موسسان خبره و رفراندوم، راه مرکب از آن دو را انتخاب نمود. در مرحله سوم، اصول مطرح شده در جلسات عمومی خبرگان که متشکل از اسلام شناسان، اندیشمندان وحقوقدانان برجسته بود، مورد شور و بررسی قرار گرفت و در مرحله چهارم، رسیدگی نهایی و رای گیری انجام یافت. در مرحله پنجم، اصول بررسی شده به تصویب نهایی رسید. در آخرین مرحله نیز با برگزاری همه پرسی دریازدهم و دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ در خصوص این میثاق ملی از مجموع آرا ۹۹/۵ رای موافق داده شد.

در این جریان، مصونیت پارلمانی ابتدا در قالب اصل ۷۱ مطرح شد. در طرح این اصل آمده بود:

«نمایندگان مجلس در اظهار عقیده و رای خود کاملا آزادند و نمی توان‌آنها را به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار کرده یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد. اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه یا جنایت مشهود شود مورد تعقیب قرار می گیرد، ولی جریان دستگیری او باید فوراً به آگاهی مجلس برسد و تحقیق و دادرسی باید با حضور نماینده مبعوث انجام پذیرد. در صورتی که نماینده‌ای به ارتکاب جرم غیر مشهود متهم شود، توقیف و بازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به سلب مصونیت از طرف مجلس است، ولی محاکمه او در دادگاه صالح به صورتی (است) که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او در اثنای دادرسی نباشد و اجرای حکم قطعی دادگاه درباره ی او نیازی به سلب ندارد». این اصل که پس از مذاکرات مجلس مذاکرات با تغییرات و جرح تعدیل‌هایی در قالب اصل ۸۶ قانون اساسی کنونی به تصویب رسید، از همان ابتدای طرح با چالش‌هایی روبرو بوده است؛ زیرا در کنار گروه موافقان این اصل که بر ضرورت تنصیص آن در قانون اساسی تاکید می ورزیدند، گروهی نیز اساساً با طرح این موضوع، مخالفت می نمودند؛ گرچه در این میان گروهی راه میانه را در پیش گرفته، خواستار پیش بینی مصونیت پارلمانی با رعایت یک سری اصول و مسائل بودند.

سرانجام با وجود این چالش‌های نظری، در متن نهایی قانون اساسی قسمت دوم اصل ۷۱ حذف شد و قسمت نخست آن در قالب اصل ۸۶ ق. ا. ج ا. ا در جلسه سی و پنجم مجلس یاد شده به تصویب رسید.

به موجب این اصل: « نمایندگان مجلس در مقام ایفای نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد». این اصل در بازنگری قانون اساسی که پیرو صدور دستور بازنگری در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ از سوی امام خمینی (ره) در همین سال انجام پذیرفت، همچنان بدون تغییر باقی ماند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اصل ۸۶ و نظرات مختلف در خصوص مصونیت نمایندگان

طبق اصل ۸۶ قانون اساسی «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.»

معمولاً این اصل را ناظر به «مصونیت پارلمانی» قلمداد می‌کنند ولی در مورد این اصل و مصونیت پارلمانی باید به چند نکته توجه کرد:

۱ ـ مصونیت در لغت به معنای محفوظ ماندن و حفظ شدن است و در اصطلاح حقوقی به معنی وضع مخصوصی برای دارنده آن است که او را از تعرض خاصی معاف و محفوظ نگاه می‌دارد. یکی از انواع مصونیت، مصونیت پارلمانی می‌باشد که ابزاری است تا نمایندگان مجلس با آسودگی بتوانند به انجام وظایف نمایندگی بپردازند و مسائل قضایی نتواند مانع ایفای وظایف مذکور شود. بر این اساس دو نوع مصونیت را برای نمایندگان مجلس برشمرده‌اند که البته جزئیات آن در نظام‌های حقوقی مختلف، کاملاً مشابه نیست. «مصونیت ماهوی» یا عدم مسئولیت، به این معناست که نظرات و آرایی که نماینده در مقام ایفای وظایف نمایندگی اظهار می‌دارد، جرم تلقی نمی‌شود. این مصونیت باعث می‌شود که نماینده بتواند وظایف نمایندگی خود اعم از قانونگذاری و نظارت را بدون واهمه از اینکه نظرات و آرای او در این مقام بتواند مستند مجرم شمردن او شود، انجام دهد. این مصونیت دائمی است و پس از اتمام دوره نمایندگی نیز نمی‌توان نظرات و آرای نماینده را که در مقام ایفای وظایف نمایندگی‌اش ابراز داشته شده، مستند مجرمیت وی قرار داد. «مصونیت از تعرض» نوع دوم مصونیت پارلمانی بوده و به معنای این است که اگر نماینده متهم به ارتکاب جرمی باشد، تعقیب او توسط مراجع قضایی مستلزم اطلاع مجلس و در برخی از نظام‌های حقوقی، منوط به تصویب مجلس است. این مصونیت سبب می‌شود که نتوان به اتهام ارتکاب جرمی در خارج از مجلس، مانع از حضور و نقش‌آفرینی نماینده در مجلس شد. مجلس یا نهادی از طرف مجلس، مسئولیت بررسی اولیه اتهام وارد به نماینده را برعهده دارد و در صورتی که اتهام را واهی نداند، از نماینده سلب مصونیت کرده و اجازه تعقیب وی توسط مراجع قضایی را صادر می‌کند. این مصونیت صرفاً در زمان نمایندگی و در برخی از نظام‌های حقوقی محدود به زمان برگزاری اجلاسیه‌های پارلمان است و لذا در سایر زمان‌ها، مراجع قضایی محدودیتی در تعقیب نماینده ندارند. کشورهای مختلف، در پذیرش دو نوع مصونیت فوق با یکدیگر متفاوتند. حال باید دید که در جمهوری اسلامی ایران، وضعیت حقوقی مصونیت پارلمانی به چه صورت است.

۲ ـ در قانون اساسی و قوانین عادی ما، مصونیت از تعرض برای نمایندگان مجلس به رسمیت شناخته نشده ورسیدگی به شکایات علیه نمایندگان مجلس، تشریفات خاصی ندارد و این امر همانند سایر اشخاص، برای نمایندگان هم انجام می‌گیرد. ولی آنچه در اصل ۸۶ قانون اساسی آمده است، برخی را بر آن داشته که مصونیت ماهوی‌را برای نمایندگان مجلس قائل باشند. طبق این اصل «نمایندگان مجلس در مقام ایفای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. » مفاد اصل مذکور در ماده ۷۷ آئین نامه داخلی مجلس و ماده ۹ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان (مصوب ۱۳۹۰) نیز تکرار شده است.

۳ ـ شورای نگهبان، بارها نظر خود را در خصوص مصونیت پارلمانی اعلام کرده است. این شورا در جریان بررسی، چندین مصوبه مجلس که در صدد ایجاد مصونیت از تعرض و ایجاد تشریفات خاص برای رسیدگی به اتهامات وارده به نمایندگان بوده، چنین مصونیتی را خلاف شرع و قانون اساسی اعلام کرده است. در خصوص مصونیت ماهوی و اصل ۸۶ قانون اساسی اما شورای نگهبان در سال ۱۳۸۰ نظریه تفسیری به شرح زیر ارائه نموده است: «با عنایت به: ۱ ـ مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتاد و ششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند و هر فردی که در مظنهٔ گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضایی باید او را تعقیب کند. ۲ ـ اصول متعدد قانون اساسی و از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دائر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی؛

۴ ـ اختصاص موضوع اصل هشتاد و شش مربوط به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه؛

۵ـ عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم؛

۶ـ نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دائر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه؛ «اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج است و این آزادی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد. » این تفسیر که توسط شورای نگهبان به عنوان مرجع مفسر قانون اساسی انجام گرفته، البته قانونی و لازم‌الاتباع است و اگر نقدی نسبت به آن صورت گیرد، نافی لزوم اجرای آن در مقام عمل نمی‌باشد.

۷ ـ از اصل ۸۶ اینگونه برمی‌آید که، اگر نماینده مجلس «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» اظهار نظری نموده یا رأیی بدهد، این نظر و رأی را نمی‌توان به عنوان مستند اتهام وی پذیرفت.

البته این امر نافی حق شکایت اشخاص از نماینده نیست، همانگونه که هیچ‌کس را نمی‌توان از شکایت از دیگران برای وصول به حق منع نمود، فارغ از اینکه مشتکی عنه (کسی که از او شکایت می‌شود) چه کسی باشد یا چه مقامی داشته باشد. با توجه به این نکته، وقتی شکایتی از کسی صورت گرفت، قاعدتاً این مرجع قضایی است که در خصوص آن شکایت تحقیق و بررسی می‌کند و در صورتی که اتهام را وارد نداند، در مرحله تحقیقات (دادسرا)، قرار منع تعقیب و در مرحله صدور رأی (دادگاه)، رأی برائت صادر می‌نماید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

لذا این مقام قضایی است که باید بررسی کند که آیا اظهارنظر نماینده‌ای که از او شکایت شده، «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» انجام گرفته یا خیر.

البته در حال حاضر، با توجه به تبصره «۱» ماده ۹ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان تشخیص این امر به هیئت نظارت واگذار شده است. طبق تبصره مذکور «تشخیص مصادیق موضوع اصل هشتاد و ششم قانون اساسی و ماده ۷۵ آئین‌نامه داخلی مجلس با هیئت است. » هیئت نظارت هیئتی است، که طبق ماده قانون مذکور تشکیل شده و مرکب از یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس، یکی از اعضای کمیسیون اصل نود، یکی از اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی و چهار نفر از سایر نمایندگان مجلس می‌باشد.

۵ ـ در مورد محدوده و چارچوب مصونیت ماهوی، نکته مهم تشخیص «در مقام ایفای وظایف نمایندگی بودن» نماینده مجلس است. اگر سخن نماینده در این مقام بوده باشد، این سخن وی مشمول عناوین مجرمانه نخواهد بود. مثلاً در صورتی که نماینده‌ای در مقام موافق استیضاح یک وزیر به ایراد سخن پرداخته و نکاتی را در خصوص عملکرد آن وزیر بیان می‌کند، نمی‌توان به صرف استناد به چنین سخنانی، وی را به جرم توهین یا افترا محکوم نمود ولی نماینده نمی‌تواند به استناد مصونیت پارلمانی، هر سخن یا نظری را در مجلس بیان نماید و مثلاً اقدام به توهین نسبت به یک وزیر یا شخص حقوقی دیگر نموده یا از تریبون مجلس استفاده کرده و جمعیتی را به برهم زدن نظم عمومی تحریک نماید. به بیان دیگر قید «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» صرفاً ناظر به اصل اظهارنظر و زمان و مکان آن نیست، بلکه محتوای آن نیز باید در این راستا باشد.

نتیجه‌گیری

ارتکاب جرم توسط مقامات و کارکنان دولتها ، همزاد حکومتها و دولتها بوده و با توجه به نوع حاکمیت و باورهای اعتقادی و مذهبی و فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف، ازشیوع یکسانی برخوردار نبوده است. جرایم مقامات ارشد دولتی، از دیر باز مورد توجه سیاستمداران و علمای حقوق بوده و چگونگی برخورد با آن و مرجعی که این وظیفه را به سرانجام برساند، از چالش‌ها و مباحث جدی دولتمردان در تمام دنیا بوده است، درکشور ما نیز به این امر از دیر باز توجه شده است. در گذشته های دور و قبل از ورود اسلام به ایران تنها مرجع رسیدگی به تظلمات و شکایات از مأمورین رسیدگی می‌کرد، شخص شاه بوده و به سایر اختلافات از جمله مسائل مربوط به ارث و طلاق و اینگونه مسائل موبدان زرتشتی رسیدگی می‌کردند.

با گسترش دولتها و انسجام بیشتر آنها و به دنبال آن ورود دولتها به عرصه های مختلف حجم دولتها افزایش و تعداد نیروهای انسانی شاغل در آن و همچنین ظهور دولتها بعنوان یک شریک اقتصادی بزرگ و رقیب تجاری برای بخش های خصوصی و همچنین مرودات مالی دولتها با همدیگر وبا شرکتها بزرگ چند ملیتی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نیز افزایش یافت، به همین جهت نحوه برخورد با مفاسد اقتصادی و تخلفات مقامات ارشد کشورها، نه تنها برای مردم آن کشورها، بلکه برای سایر دولتها و شرکتها سرمایه گذار از اهمیت ویژه ای برخوردار شد.

جرایم ارتکابی در رده های بالای مدیریتی کشورها باعث بی اعتمادی مردم و حتی سایر کشورها به حاکمیت می شود و بعضا تبعات اجتماعی، سیاسی جبران ناپذیری به همراه می آورد. بعنوان مثال تخلفات رییس جمهور کره جنوبی و امثال آن در دهه های اخیر خبر ساز شد و با محاکمه و عزل وی تبعات و تنش‌های بوجود آمده، فروکش کرد. برخی فساد دولمتردان حتی با قیامها و درگیری های مسلحانه به تغییر حاکمیت‌ها منجر شده است یکی از معضلات بزرگ کشور ما که مانع سرعت گرفتن چرخ پیشرفت کشور می‌شود، وجود فساد و سوء مدیرتی آشکار در بعضی از زمینه ها می‌باشد که به دلیل نبود نهادی مستقل و کارآمد در برهه‌های مختلف با رانت اطلاعاتی و و سایر ابزارها بازار ارز و اقتصاد کشور را متلاطم می‌کنند. که این امر نهادی مستقل و فرا قوه ای را برای رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی که توسط مقامات دولتی یا منصوبین آنهارا می طلبد. این نهاد در عین دقت باید باسرعت بالایی اقدام و قوانینی که که بعضاً باعث اطاله امررسیدگی و تعقیب می شوند، در این نهاد حکمفرما نباشند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ قرآن مجید

ـ موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج دوم

ـ دهخدا، لغت نامه، دوره جدید، ج ۱۴، چ ۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

ـ معین. م فرهنگ معین، ج ۳، چ ۵، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.

ـ آیت اله زاده شیرازی، م، و، آذر نوش، آ، مجمع اللغات (فرهنگ مصطلحات به چهار زبان)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

ـ نقاضی شریعت پناهی، ۱. بایسته های حقوق اساسی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۵.

ـ رضا، سیروس قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات مهاجر۱۳۸۲

ـ محمدرضا، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، انتشارات جنگل، چاپ اول ۸۹

ـ محمدحسن، نگاهی به جرایم سایبری، انتشارات معاون برنامه و بودجه، سال ۸۴

ـ دزیانی، محمدحسن، صلاحیت رسیدگی به جرایم سایبر، خبرنامه انفورماتیک شماره۷۷

ـ الفیلی، م، ح « تعیین قاعده الناخبین من بین الدستور و القوانین »، مجله الحقوق، کلیه الحقوق، جامعه الکویت، ۱۹۹۹.

ـ ابراهیمی، ق، «مصونیت پارلمانی از نگاه فقه » فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت علیهم السلام، س، ۸ ۱۳۸۱، ش ۳۰.

ـ نظرات حقوقدانان کشور در خصوص مصونیت پارلمانی نمایندگان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: تهران، ۱۳۸۰.

ـ هاشمی، م. ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۳، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۷.

ـ منصور السلطنه، م. ، حقوق اساسی یا اصول مشروطیت و شرح قانون اساسی مطبعه فاروس: تهران ۱۳۲۸.

ـ مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول، دوم، سوم، چهارم) مطبعه مجلس، بی تا.

ـ انصاری، م. و مصونیتهای قانونی، چ ۲، انتشارات اشراقی: تهران، ۱۳۵۲.

ـ عمید زنجانی، ع. و فقه سیاسی، ج ۱ چ ۳، انتشارات امیر کبیر: تهران، ۱۳۷۳.

ـ صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۱، دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی: تهران، ۱۳۶۴.

ـ باهری، م. ، و داور. ، ع. ا. ، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق از: رضا شکری، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد: تهران، ۱۳۸۰.

ـ استفانی، گ، لواسور، ژ. و بولوک، ب، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی: تهران، ۱۳۷۷.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ آشوری، م. ، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۲، انتشارات سمت: تهران، ۱۳۷۶.
ـ آخوندی، م. ، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران، ۱۳۶۸.
ـ خزانی، م. ، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۷۷.
ـ مدنی، ج. ، آیین دادرسی کیفری (۱ و ۲)، انتشارات پایدار: تهران، ۱۳۷۸.
ـ میرحسینی، سید حسن، حقوق و تخلفات اداری، چاپ دوم با اصلاحات و الحاقات، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۱
ـ کاتوزیان، ناصر. ، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۰.
ـ مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، ش ۶، دی ماه ۱۳۸۰.
ـ مالمیر، محمود؛شرح قانون مجازات نیروهای مسلح، چاپ اول، نشر دادگستر، تهران۱۳۸۳
ـ صفار، م. ج. ، شخصیت حقوقی، نشر دانا: تهران، ۱۳۷۳.
ـ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشرقین: قم، ۱۳۷۹.
ـ روزنامه حیات نو، س ۲، پنجشنبه، ۲۷ دی ماه ۱۳۸۰، ش ۴۹۳.
ـ دادفر، ح. ، « مصونیت پارلمانی ». ، مجله کانون وکلا، س ۵، مرداد و شهریور ۱۳۳۲، ش ۳.
ـ قاسم زاده، ق. ، حقوق اساسی فرانسه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران، ۱۳۳۶.
ـ میر محمد صادقی، ح. ، جزای اختصاصی (۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان: تهران ۱۳۸۰.
ـ نوزاد، عوض‌بررسی جرایم اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال دولت، چاپ اول انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۳
ـ امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
ـ رحمدل، منصور، بررسی تطبیقی مصونیت پارلمانی در دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله ۱۵ خرداد، دوره اول، -شماره ۲۸، زمستان۱۳۸۶
ـ زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران:از مشروطه تا سقوط رضا شاه، جلد اول انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱
ـ کشکولی، محمد، دادگاه کیفری استان(ساختار، صلاحیت وشیوه رسیدگی)انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
ـ کوشکی، غلامحسن، آشنایی با جرایم مدیران و کارکنان دولت، انتشارات، معاونت تدوین، انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۸۹
ـ ویژه، محمد رضا، مسئولیت کیفری رئیس جمهور در حقوق فرانسه، فصلنامه حقوق اساسی شماره ۱۳۸۲، ۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ مهاجری، علی، جرائم خاص کارکنان دولت، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
ـ ولیدی، محمدصالح، حقوق‌جزای اختصاصی، جرایم مالی علیه آسایش عمومی، نشر خیام، ۱۳۷۷
ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینو لوژی حقوق، انتشارات، کنج دانش، ۱۳۸۸
ـ قنبری، مجید، تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی، انتشارات نشر نو آور، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
ـ ملازمیان، مسعود (تحقیق کننده)سیاست جنایی و تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
ـ حیدر زاده، هادی، تعقیب انتظامی قضات، انتشارات آزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۷
ـ کشکولی، محمدی، دادگاه کیفری استان (ساختار، شیوه رسیدگی و صلاحیت)انتشارات بهنامی، چاپ اول ۱۳۹۰.
ـ مهاجری، علی، خانلری المشیری، عبدالرضا، جرایم شغلی کارکنان دولت، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
ـ ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸
ـ طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اداری تطبیقی:حاکمیت قانون و دادرسی اداری در چند کشور بزرگ، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
ـ امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲
ـ خالق، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
ـ زرگوش، مشتاق، مسئولیت مدنی دولت، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹
ـ مولوی، مهدی، مصونیت جزایی و تعقیب با تشریفات خاص، مجله مجموعه حقوقی، شماره۱۳۱۷، ۷
ـ میر حسینی، سید حسن، حقوق وتخلفات اداری، چاپ دوم، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۱
ـ صفاری، علی، کیفر شناسی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ پنجم، ۱۳۸۸
ـ نقد و بررسی «قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارگزاران کشور در ساعات اداری»، مجله کانون وکلای آذربایجان‌شرقی، شماره۱۶، دوره جدید، ص۱۲۵، زمستان۱۳۸۸
ـ نوروزی، فیروز، رحمت الله، آیین دادرسی کیفری(۲) «صلاحیت»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
ـ برآهویی، شهریار، مروری برصلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ج.ا.ا، مجله دادرسی، ش ۳۸،
ـ محسنی، مرتضی، دروه حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات کنج دانش، ۱۳۷۵
۶۳ ـ شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم۱۳۸۶،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سایت‌های اینترنتی

www.lexum.umontreal.Ca
www.canlii.org
www.undp – pogar.Org
www.ipu.org.english / membshp
www.ecprd. Org
www.iran – emrooz.De
www.iran – emrooz.De
www.ipu.org
www.vedamsbooks.com
www.lebvote.com
www.nt.gov.au

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]